

## «بررسی توبه در شعر عطار نیشاپوری»

دکتر رضا اشرف زاده<sup>۱</sup>

مژگان حاجت پور بیرگانی<sup>۲</sup>

قال الله تعالى: و توبوا الى الله جميعاً ايها المؤمنون لعلكم تفلحون (قرآن، ۳۳/۲۴) و بازگردید به سوی خدا همگی ای مومنان شاید که رستگار شوید.

### چکیده

توبه به عنوان یکی از موضوعات تربیت اسلامی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و در نتیجه‌ی این باور دینی و عقیدتی شعرا و نویسنده‌گان نیز خواه ناخواه به آن پرداخته‌اند. و در آثار ادبی این تأثیرات به روشنی مشخص می‌باشد. آثار عرفانی تا قرن ششم تحت تأثیر احادیث و قرآن بوده اما پس از آن بیشتر از فلسفه و عقاید فلسفی بهره گرفته است. توبه در معنای بازگشتن و اولین منزل در مقامات هفت گانه ابو نصر سراج آمده است. همچنین اولین میدان در «صد میدان» خواجه عبدالله انصاری توبه می‌باشد.

عطار در مصیبت نامه توبه را این گونه تعریف می‌کند:

توبه چیست این جمله را در هم زدن خیمه زین عالم بدان عالم زدن دیدگاه زاهدانه‌ی عطار در سایه‌ی اشارات قرآنی و احادیث کاملاً مشهود است.

این پژوهش در نظر دارد توبه را در آثار عطار مورد بررسی قرار دهد.

### کلید واژه:

توبه، عرفان، تربیت اسلامی، قرآن

۱ - (استاد راهنمای)، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (رساله‌ی دکتری)، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی

نشانی الکترونیکی: zartoshtariya@yahoo.com

## مقدمه

«توبه اولین مقام سیر طالب است و آن عبارت از یک نوع انقلاب حال و تحولی است در طالب و ابتدای حیات تازه ئی است.» (غنى، ۱۳۲۲: ۲۱۷) به هر حال گناه، آن چیزی است که انسان را از خدا دور سازد و هر چیزی که سبب دوری انسان از حضرت حق گردد نامبارک و شوم است. رنج از گناه، جوانه‌ی توبه است و توبه ندامت از گناه است. خود را به حق متصل نمودن و اظهار عجز کردن است؛ تکیه دادن به ستونی است که دل را سبک می‌کند و به آن پر پرواز می‌دهد. توبه به لحاظ سلامت روانی گونه‌ای برونق ریزی عاطفی است که به انسان کمک می‌کند به تعادل روانی برسد و فشارها و اضطراب‌های عاطفی خویش را کاهش دهد. در اهمیت توبه همان بس که در قرآن سوره‌ای با همین نام در ۱۲۹ آیه آورده شده است.

توبه کردم تا به روز مردنم نیست کار الّا که فرمان بردنم  
(مصطفیت نامه، ص ۲۷۰)

عطار توبه را در گرو گذشتن از این دنیا و در نظر گرفتن دنیای دیگر، می‌داند. پس در بند تعلقات دنیوی بودن را مقدمه‌ی گناه می‌شمرد و گذشتن از آن را، مقدمه‌ی توبه می‌داند.

«توبه به حقیقت رجوع است... فاما در عرف و شریعت توبه رجوع است از معاصی و ذنوب» (مستملی بخاری؛ ۱۳۷۳: ۱۲۰۹) ذوالنون می‌گوید: «گفت توبه‌ی عام، از گناه بازگشتن است و توبه‌ی خاص از غفلت بازگشتن است و توبه‌ی انبیاء علیهم الصلوٰه و السلام آن است که عجز خویش ببیند از رسیدن به جایی که غیر ایشان رسیده باشند. اما توبه‌ی عام از گناه آن باشد که معصیت به جای بگذارد هم به فعل ظاهر هم به نیت باطن.... اما توبه‌ی خاص از غفلت آن باشد که هر گاه که سِر ایشان طرفتی یا لحظتی به غیر حق مشغول گردد هم به آن مقدار از حق سبحانه غافل گرددند و از آن

غفلت خویش عذر خواهند و از مقام اعراض به مقام اقبال باز آیند...» (همان: ۱۲۱۵) «مفاهیم توبه: ابن فارسی می گوید: (توب: التاء و الوا و الباء كلمه واحده، تدل على الرجوع. يقال تاب من ذنبه اي رجع عنه) (معجم مقاييس اللغة، ج ۱، ص ۱۸۴) (توب: توب، كلمه اي است، بر بازگشت دلالت می کند گفته می شود توبه کردن از گناه، بازگشت از آن است).

على اکبر قرشی می گوید: (توب، توبه، متاب، همه به معنی رجوع و برگشتن است). (قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۸۵).

محمد على التهانوى، در موسوعه کشاف اصلاحات الفنون و العلوم می گوید: (التوبه: بالفتح و سکون الواو، فى اللغة (الرجوع) (ج ۱، ص ۵۲۴) خواجه نصیرالدین طوسی می گوید:» معنی توبه رجوع از گناه باشد. و اول بباید دانست که گناه چه باشد تا از او رجوع کند، و باید دانند که گردش افعال بندگان بر چند قسم باشد: اول فعلی که بباید کرد و نشاید که نکند. دویم: فعلی که نباید کرد و نشاید که کند. سیم: فعلی که کردن آن از نا کردن بهتر باشد. چهارم: فعلی که کردن او یکسان بود و گناه نا کردن فعلی بود که از قسم اول باشد و کردن فعلی که از قسم دیم باشد. و از آن همه عاقلان را توبه واجب باشد. و این جا نه اقوال و افعال جوارح تنها می خواهیم، بل جميع افکار و اقوال و افعال می خواهیم که تابع قدرت و ارادت هر عاقلی باشد..... و اهل سلوک را التفات به غير حق تعالى که مقصد ایشان است، گناه باشد ایشان را، و از آن توبه باید کرد. (نصیرالدین طوسی، اوصاف الاشراف، ص ۷۱-۲)» (سجادی؛ ۱۳۷۸: ۲۶۴)

شعر تعلیمی عطار ویژگیهای منحصر به فرد خود را دارد و مانند شعر سنایی سرشار از تکلف نیست بلکه آمیخته به سادگی و روانی است. داستانهایی که در مثنویهای عطار ریشه تاریخی دارند مانند: شیخ صنعان منطق الطیر و سر پاتک الهی

نامه، جنبه‌ی تاریخی آن پررنگ نیست و هدف اصلی و قصد شاعر فایده‌های اخلاقی و تربیتی داستان است. عطار در اشعارش به دو شکل مباحث دینی را مطرح می‌کند؛ یکی از زبان پیامبر و بزرگان دینی و دیگری مباحث نظری دینی او است. یکی از آن مباحث نظری دینی، توبه است. از آنجایی که دنیا محضر حق است پس هر گناهی بی‌حمرتی و اهانت به خدا است و نشانه‌ی کفر است و مستلزم توبه. استاد وب می‌گوید: «گناه عبارت است از خضوع اراده‌ی انسانی در برابر شهوات فرودین در حالی که راه به اختیار افعالی دیگر گشوده باشد» (نیکلسون، ۱۳۸۲: ۱۰۴)

با توجه به قرآن و احادیث و اقوال بزرگان دینی و جو布 توبه امری قطعی و حتمی است و همگی در این مورد متفق القول می‌باشند.

شیخ گاه توبه را به صورت نماد و با معانی کنایی به کار می‌برد مانند: گریستن که کنایه از توبه است:

تو را ره می‌زند وز درد این کار	دو چشمت همچو ابری گشت خونبار
به سیصد سال می‌باشد	گر آدم را که در یک دانه نگریست
زدیده چند باید ریختن اشک؟	بین ابليس را در لعن و در رشك

(الهی نامه، ص ۲۱۲)

به جز این موارد که توبه توسط شیخ به گونه‌ی کنایی و نمادین آورده شده است؛ عطار کاربردها و نگرش‌های خاص دیگری نیز برای توبه در اشعارش در نظر دارد؛ که در این مجال به آن پرداخته خواهد شد.

### نگرش عطار در زمینه‌ی توبه

۱. حضرت آدم و حوا اولین توابین هستند زیرا بعد از نافرمانی کردن از حضرت حق توبه کردند. خدا توبه‌ی ایشان پذیرفت اما آنها را از بهشت بیرون کرد. در

آثار عطار هرجا که سخن از آدم و حواست با منبع و اشارات دینی آمده است و داستان آدم و حوا و رانه شدنیان از بهشت در ارتباط تنگاتنگ با داستان ابليس قرار می‌گیرد چرا که شیطان قسم خورده است که آدم خلیفه الله را گمراه نماید بنابراین همیشه همراه وی است. «فتلقی آدمُ منْ رَبِّهِ كَلْمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ» (قرآن: ۲: ۳۷) پس دریافت آدم از پروردگار خود سخنانی و بازگشت به سوی او و همانا اوست توبه پذیرنده‌ی مهربان. (رامیار، ۱۳۸۷: ۶) (تمامی ترجمه‌های قرآنی ازین مترجم می‌باشد).

زحال آدم و حوا روایت	حکیم ترمذی کرد این حکایت
زفردوس آمده کنجه گزیدند	که بعد از توبه چون با هم رسیدند

(الهی نامه، ص ۲۱۰)

در داستان بچه‌ی ابليس با آدم و حوا در الهی نامه؛ آمده است که وقتی آدم و حوا توبه کردند و از بهشت به زمین آمدند؛ آدم برای کاری بیرون رفت، ابليس نزد حوا آمد و بچه‌اش به نام خناس را به حوا سپرد. حضرت آدم وقتی بازگشت و آن بچه را دید از حوا خشمگین شد آن بچه را به صحرابرد و کشت اما ابليس آن بچه را بار دیگر با جادو زنده کرد. چند مرتبه ابليس بچه را به حوا می‌سپرد و آدم آن را از بین می‌برد و شیطان نیز دگرباره آن را زنده می‌کرد تا اینکه آدم بچه را کشت و از آن قلیه ای آمده کرد و با حوا آن قلیه را خوردند بار دیگر ابليس آمد بچه‌ی خویش صدازد، این بار بچه از درون سینه‌ی حوا جواب داد و ابليس شادمان شد و گفت که به هدف خود رسیدم زیرا می‌خواستم در درون آدم جای بگیرم تا ازین طریق در سینه‌ی آدم صد دام و سواس قرار دهم. که در این ابیات از الهی نامه آمده است:

که گیرم در درون آدم آرام	مرا مقصود آن بودست مادام
فگنند شود فرزند آدم مستمندم	چو خود را با درون او

نهم صد دام رسوایی ز وسوس	گهی در سینه‌ی مردم ز خنّاس
برانگیزم شوم در رگ چو خونش	گهی صد گونه شهوت در درونش
و زان طاعت ریا خواهم نه اخلاص	گهی از بهر طاعت خوانمش خاص
که مردم را برم از راه بیرون	هزاران جادویی دارم دگرگون

(الهی نامه، ص ۲۱۱)

در این داستان عطار معتقد است که آدم و حوا بعد از توبه نیز دچار تلبیس شیطان گردیده‌اند و این دیدگاه وی بسیار بدیع و تازه می‌نماید چرا که دیگر شعراء و نویسنده‌گان به این مطلب اشاره‌ای ندارند.

در این نمونه محل شیطان را در درون انسان می‌داند:  
 چو شیطان در درونت رخت بنهاد      به سلطانی نشست و تخت بنهاد  
 (همان، ص ۱۰۳)

در ادامه شیخ اینگونه بیان میدارد که به هر حال شیطان از ره هر آرزو و املای می‌تواند در درون انسان رخنه کند هر چند توبه کرده باشد؛ بنابراین انسان باید آگاهی داشته باشد و بداند، همان گونه که شهوت در خون انسان آمیخته است، شیطان نیز در خون او جاری است. پیامبر اکرم ص می‌فرمایند:

«شیطان مانند خون در رگ و ریشه‌ی آدمی جریان دارد، پس با گرسنگی راه‌های او را تنگ سازید» (حکیم مولی محسن فیض کاشانی: ۱۳۸۵، ۳۶۹) و از دیگر سخنان آن حضرت است که فرموده‌اند: «هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه او را شیطانی است.»

(همان، ۳۷۱)

جنگ و مقاومت، با این آمیخته با خون کاری بس مشکل است و در این راه همتی دوچندان ضروری است. و شیخ چه زیبا این دو حدیث را در این قسمت آورده است و به آنها اشارت دارد. و صراحةً بودن ابلیس در درون انسان را

با اشاره به سوره «ناس» بیان می دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس \* مَلِكِ الناسِ \* إِلَهِ الناسِ \* مِنْ شرِّ الْوَسُوْسَ الْخَنَاسِ

\*الذِي يُوْسُسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ \* مِنْ جَنَّةِ النَّاسِ \*

ابليس از در توبه در نیامد و گفت: تو مرا گمراه کردی و من هیچ تقصیری ندارم و به جبر گرایید و اختیار از خود سلب کرد و خودبینی و سرکشی او موجب دوری و لعنت گردید. (کشف الاسرار، ج ۳، ۵۷۳-۸۰) شیطان در ابتدا نافرمانی می کند و از گناهش توبه نمی کند و این کردار در برابر معشوق نشانه‌ی بی صدقی است، چراکه صدق در عشق تسليم محض عاشق است در برابر معشوق.

۲. اگر یاری خدا نباشد توبه‌ی خالص نیز شکسته می شود. چرا که خداوند بر هر کاری توانا سست و هیچ امری نیست که به اذن او صورت نپذیرد. خدا اگر اراده کند که بنده ای توبه‌ی خویش بشکند آن عمل انجام می شود تا حکمت الهی بدین واسطه محقق گردد. در ارتباط انسان با خدا در باب توبه و حفظ توبه نیز حق باید یاری کند و گرنه انسان عاجز کجا و تایب باقی ماندن کجا. در قرآن، به توبه‌ی همراه با اخلاص، اشاراتی دارد چنانکه خداوند می فرماید:

يا ايها الذين امنوا الى الله توبه نصوحًا عسى ربكم ان يکفر عنکم سينأتكم.....)  
(قرآن ۶۶/۸)

ای مؤمنان! به درگاه خدا توبه نصوح (با اخلاص و دوام) کنید باشد که پروردگار گناهانتان را مستور و محو گرداند!

\*شم یتوب الله من بعد ذلک علی من یشاء والله غفور رحیم» (قرآن ۹/۲۷) سپس توبه می پذیرد خدا پس از آن، از هر که خواهد و خدا آمرزندۀ مهربان است.

\*«وَيَذْهَبُ غِيَظَ قَلوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَيْهِ حِكْمَةٌ» (قَرْآن١٥/٩)

و بردارد خشم را از دلهاي ايشان و توبه پذيرد خدا از هر که خواهد و خداست  
دانای حکيم.

عطار نیز این مطالب را به وضوح در شعر خویش می‌آورد همانگونه که مولانا  
بر این موضوع نظر دارد که صدھا توبه صادقانه می‌تواند با سنگ تو شکسته گردد.  
صد توبه به یک نفس شکستن      صد پرده به یک زمان دریدن  
(دیوان عطار، غزل ۶۵۰)

هر گاه که زلف او نهد جرم  
صد توبه به یک گناه برگیرد  
(همان، غزل ۲۲۳)

هemin ويژگي را نيز مولانا در عزليات شمس بيان مي دارد:  
بس توبه ي شايسته، بر سنگ تو بشکسته بس زاهد و بس عابد کاو خرقه دريد آمد  
(عزليات شمس، غزل ۲۱۹)

ای تو به ام شکسته، از تو کجا گریزم  
ای در دلم نشسته از تو کجا گریزم  
(همان، ۶۳۷)

مولانا نیز معتقد است که توبه از جانب حق قابل سوختن و از بین رفتن است و اگر خدا یاری ندهد توبه خالص نیز شکسته خواهد شد.

در شرایم چیز دیگر ریختی، در ریختی بار دیگر توبه ها را سوختی، در سوختی باده تنها نیست این، آمیختنی، آمیختنی  
 (همان، ۹۷۳)

۳. توبه‌ی واقعی مقدمه‌ی ایمان است. توبه اگر واقعی و حقیقی باشد پذیرفته است و بعد از آن باید تایب همیشه تایب بماند چرا که توبه هر چند محکم باشد با انجام گناه ازین می‌رود. در این آیه بلافصله بعد از توبه لفظ ایمان را آورده است. یعنی توبه مقدمه‌ی ایمان معرفی شده است. برای توبه مراحلی است: ابتدا توبه کننده از زیانی که از راه گناه متوجه وی شده آگاه می‌گردد دوم: از گناه خویش نادم و پشیمان می‌شود سوم: قصد ترک گناه می‌کند. بنابراین پشت سر نهادن این مراحل خود آغاز ایمان است.

در حکایت مرد توبه شکن در منطق الطیر ص ۳۱۳، عطار مسیر توبه را مشخص کرده است، در ابتدا فرد گناهکار متوجه زیان و ضرر گناه گردیده است:

کرده بود آن مرد بسیاری گناه	توبه کرد از شرم و بازآمد به راه
در مرحله‌ی دوم درد خجالت و شرم وندامت از گناه دردل او پدید آمده است:	
بعد از آن دردی درآمد دردلش	وزخجالت کار شد بس مشکلش
در مرحله‌ی سوم که توبه و قصد ترک گناه است مرد زهره‌ی توبه ندارد و	
می‌هراسد که مبادا باری تعالی به دلیل توبه شکنی پیاپی، او را از رحمت واسعه خویش محروم سازد و روزگار در ناله و زاری می‌گذراند که این آه و ناله، خود دلیل دیدن آن نیروی قوی تر و آفریننده‌ی هستی است. بنابراین گریه و زاری در روند توبه پاک کردن روح و قرب به رحمت خداوندی است.	

چون به جز بی حاصلی بهره نداشت	خواست تا توبه کند زهره نداشت
دل پر آتش داشت در خونابه‌ای	روز و شب چون قلیه‌ای بر تابه‌ای
زَأْبِ چشمِ او همه بنشست بود	گَ غباری در رهش پیوست بود
(منطق الطیر، ص ۳۱۳)	

حضرت مولانا نیز پذیرش توبه را با صدق در توبه و ناله و انابت از درگاه خدا محقق می‌داند.

راستی پیش آر یا خاموش کن  
و آن گهان رحمت ببین و نوش کن  
(مثنوی، ۳/۷۵۱)

حضرت علی (ع) می فرماید: «الْتَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِهِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَ اسْتَغْفَارٌ  
بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِهِ جَوَارِحُ وَ عَزْمٌ لَا يَعُودُ» (نمازی، شاهروندی؛ ۱۳۷۶ ج ۱: ۴۹۲)  
(توبه بر چهار رکن استوار است: پشیمانی قلبی، استغفار به زبان، عمل به جوارح،  
عزم در بازگشت نکردن به گناه).

«وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَإِمْنَانُهُمْ بِأَنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ»  
(قرآن ۷: ۱۵۳)

و آنان که بدیها کرده اند سپس توبه کردند و ایمان آورده اند مسلمان پروردگار تو  
پس از آن، آمرزنده‌ی مهربان است.

شیخ در این جا آغاز ایمان را با پشیمانی از گناه و توبه می داند.  
ایمان به توبه و به ندم تازه کرده اند وین تازه را لباس ز تقوی نهاده اند  
(دیوان عطار، غزل ۲۸۷)

کفر برخاست از ره و ایمان نشست      بُتْ پِرْسَتْ رُومْ شَدْ يِزْدَانْ پِرْسَت  
(منطق الطیر، ص ۳۰۰)

۴. توبه را در زمانش باید انجام داد و امروز و فردا کردن در توبه و پشیمانی از کردار  
رشت، جایز نیست. زمانی توبه معنا می یابد که توانی در انجام گناه است نه زمانی که  
انسان قادر به گناه نباشد.

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَلٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرْبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ  
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيَّمَا حَكِيمًا \* وَ لِيَسْتَ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ احْضُرَ  
أَحَدُهُمُ الْمَوْتَ قَالَ إِنِّي تَبَتَّثُ الثَّنَّ وَ لَا الَّذِينَ يَمْوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا  
أَلِيمًا» (قرآن ۱۷: ۴ و ۱۸)

قطعاً خدا پذیرندهٔ توبهٔ آنانی است که کرداری زشت می‌کنند به نادانی، سپس به زودی توبهٔ می‌کنند. آنانند که می‌پذیرد خدا توبهٔ ایشان را و خدا دنای حکیم است. و نیست توبه برای آنان که کردار زشت کنند تا زمانی که یکی از ایشان را مرگ فرا رسد گوید: توبه کردم اکنون، و نه آنان که می‌میرند در حالی که ایشان کافر هستند آمادهٔ کردیم برای ایشان عذابی دردنگ.

یک شب از بهر خدا بی خور و بی خواب نه ای  
صد شب از بهره و انفس توبی خواب و خوراست  
چون بسی توبهٔ بی فایله کردی به هوس  
توبه از توبه کن ار یک نفس ماحضر است

(عطار، قصیدهٔ ۹، ص ۸۳)

چون نماندی نرد عمر و هیچ از عمرت نماند  
توبه کن امروز تا فردا نمانی شرمسار

(عطار، قصیدهٔ ۱۷، ص ۱۰۱)

در الهی نامه که ازابتدا جواب و سؤال شش پسر با پدرشان می‌باشد؛ در مقالهٔ ششم پسر در جواب پدر در رابطه با توبهٔ می گوید: من اعمال خویش انجام می‌دهم و در پایان در زمان پیری توبهٔ خواهم کرد.

همه دل در هوای خویش بستند	پسر گفتش که هر خلقی که هستند
که گامی بی ریا بر می‌نگیرند	قدم خود از هوا بر می‌نگیرند
نمی‌بینم دلی بر نفس امروز	چو هست این دور دورِ نفس امروز
کنم از سحر حاصل اندکی چیز	گر از بهر هوای خویش من نیز
ندارد ای پدر چندان زیانم	چو در آخر بود توبه ازانم

(الهی نامه، ص ۱۸۷)

اما این کاملاً با آیه‌ی فوق در تضاد است و عطار سعی دارد توبه‌ی درست و حقیقی را در قالب حکایات بازگو کند تا مخاطب خویش را از چگونگی حقیقت توبه‌ی حقیقی آگاه نماید.

از خطای نفس خود تا چند بینی اضطراب  
رو درین وادی چو اشترباش و بگذر از خط

(قصیده ۷، ص ۷۷)

۵. توبه چون آتش است که گناهان را می سوزاند و اگر انسان صد گونه گناه داشته باشد تمامی آن‌ها را از بین می برد. در احادیث آمده است که توبه کننده مانند کسی است که گناهی نکرده است: النائب من الذنب كمن لاذنب له (غزالی، ۱۳۵۷: ۴۳) «نس بن مالک گوید از پیغمبر صلی الله علیه وآلہ وسلم شنیدم که گفت: تایب از گناه همچنان بود کی گناهی نکردست» (قشيری: ۱۳۴۰، ۱۳۶)

آن غبار اکنون زره برخاسته ست      توبه بنشسته گنه برخاسته ست  
تو یقین می دان که صد عالم گناه از تف یک توبه برخیزد ز راه  
(منطق الطیر، ص ۲۹۹)

آتش توبه چو بر افروزد او      هر چه یتابد جمله برهم سوزد او  
(همان، ص ۳۰۰)

۶. خدا توبه کنندگان را دوست دارد و همواره بندگان را به توبه و بازگشت از گناهان فرا می خواند و خدا توبه پذیر است. حال این سؤال مطرح می شود که آیا قبول توبه بر خداوند متعال واجب است؟ یا این که قبول توبه، تفضل و کرمی از جانب خداوند است که شامل حال بندگانی گناهکار شده است.

«معتلله معتقدند که قبول توبه بر خداوند واجب است. و اشعاره معتقدند که خداوند

توبه‌ی بندگان را از روی تفضل و کرم می پذیرد.» (شیخ بهایی، اربعین، ص ۳۲۸)  
دریبت زیر عطار به این مطلب اشاره می کند (در احادیث آمده) که خداوند هر

شب از آسمان فرود می‌آید و از بندگانش می‌پرسد چه کسی می‌خواهد اجابت شود «ینزل ربُنا إلی السماء الدنيا حين يبقى ثلث الليل الآخر» یا «ينزل الله في كل ليلة إلى السماء الدنيا» (فرهنگ مؤثرات، ص ۶۱۷)

گر نبودی مرد تایب را قبول	کی بدی هر شب برای او نزول
و در ادامه می‌گوید اگر گناهی مرتكب شدی بازگرد.	
گر گنه کردی در توبه ست باز	توبه کن کین در نخواهد شد فراز
گر به صدق آیی درین ره تو دمی	صد فتوحت پیش بازآید همی

(منطق الطیر، ص ۳۱۳)

در ابیات دیگر عطار بزرگی و فضل حق تعالی را در بخشش بنده بیان می‌کند:	حق تعالی گفت هست او دل سیاه
می نداند، زان غلط کرده ست راه	گر زغفلت ره غلط کرد آن سقط
من چو می دانم نکردم ره غلط	هم کنون راهش دهم تا پیشگاه
لطف ما خواهد شد او را عذرخواه	

(همان: ۳۱۴)

شارتِ پذیرش توبه در جای قرآن به چشم می‌خورد: \*«إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ». (قرآن ۹/۱۱۸) همانا خدا توبه پذیرنده‌ی مهربان است.

\*«وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبَّيْ رَحِيمٌ وَدُودٌ». (قرآن ۱۱/۹۰) و استغفار کنید از پروردگار خویش سپس توبه کنید به سوی او همانا پروردگار من مهربانی دوست دارنده است.

\* «وَيَا قَوْمَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يَرْسُلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا وَيَزِدُّكُمْ قُوَّةً إِلَى قَوْتُكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْ مُجْرِمِينَ». (قرآن ۱۱/۵۴) و ای قوم من آمرزش جویید از پروردگار خود سپس بازگشت کنید به سوی او تا فرستد آسمان را بر شما پی در پی و بیفزاید شما را نیرویی بر نیرویتان و پشت نکنید به گنهکاران.

در اینجا عطار توجه ویژه اسلام را به توبه کنندگان بیان می‌دارد چرا که در آیات قرآن این عنایت ویژه نسبت به توبه کنندگان مشهود است. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِين (قرآن ۲/۲۲۲)

یکی حبسی بر پیغامبر آمد که توبت می‌کنم وقتی درآمد اگر عفو است و گر توبت قبول است مرا بر پشتی چون تو رسول است پیمبر گفت: چون تو توبه کردی یقین می‌دان که آمرزیده گردی (الهی نامه، ص ۲۵۱)

و در این نمونه:

تو را گر در عمل پیرایه ای نیست به جز بیچارگی سرمایه ای نیست تو در بیچارگی اول قدم نه وزان پس سر سوی خوان کرم نه چو آن خوان کرم را برکشیدند گنه کاران عاصی در رسیدند.... اگر توبی گناهی یا گنه کار به خوان بنشین که سلطان می‌دهد بار (اسرارنامه، ص ۱۴۲)

در اینجا نیز همان عنایت الهی را در کرم و بخشش توبه کنندگان، گناهکاران و بی گناهان آورده است؛ اذعان می‌دارد که خداوند خوان کرم و بخشش خود را یکسان گسترده است و در این مهمانی بخشش و کرم گناهکار و بی گناه یکی است و هر دو یکسان ازین خوان الهی بهره دارند. همانند خورشید تابان که بر همه یکسان می‌تابد حال اگر کسی خود را از نور آن بپوشاند و مانع نور شود خورشید و یا نور افشاری خورشید زیر سؤال نمی‌رود.

«نzed علمای شیعه، اجماع بر این است که پس از توبه، عذاب بر داشته می‌شود. برداشتن عذاب از باب تفضل است نه این که بر خدا واجب باشد.» (حسنی؛ ۱۳۷۷: ۱۴۴) و هم چنین در سوره نساء آیه ۱۱۰ خداوند می‌فرماید: وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ يَجْدِلُ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا. هر که عمل زشتی از او سرزند یا به

خویشن ظلم کند، سپس از خدا طلب آمرزش و عفو کند، خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

جایی دیگر توبه پذیر بودن خدا را دلیل بر این نمی داند که بنده خود را آلوده به گناه سازد زیرا با هر گناه انسان به لحاظ بهداشت روانی دچار مشکل می شود گویی در قمار زندگی می بازد و این باخت قابل جبران نیست؛ چرا که گذشته قابل برگشت نیست؛ بنابراین اثرات این باخت همیشه باقی است و انسان خسارت گناه را همیشه با خود همراه دارد و توبه تنها اظهار ندامت از گذشته و بازنگشتن به آن خطأ است.

چنین گفته است آن داننده‌ی پاک که هر کو در مقام رخانه‌ی خاک چنان در پاک بازی سر بر فراخت نه بر بیهوده چشمی داد از دست ولی چشم شده کی با کف آید؟ که آن در ذکر حق حاضر نداری تدارک کی توان کرد این زیان را مده از دست چیزی را که از عز نیاید نیز با دست تو هرگز عزیزرا هر دمی کز دل برآری چو چشمی دان که می دریازی آنرا (الهی نامه، ۲۷۴)

و نیز در جایی دیگر بر اهمیت توبه از جانب خدا تأکید می کند و می گوید که خداوند کسانی را که از کار زشت توبه کنند پاداش می دهد.

آن دگر گفتش به امید بهشت باز گرد و توبه کن زین کار زشت (منطق الطیر، ص ۲۹۰)

۷. توبه نشانه‌ی هوشیاری است و با مذهب سکریان ساختی ندارد. لیک در طریقه‌ی سکر توبه جایز نیست چرا که نشانه‌ی هوشیاری است در حالی که عارف به نظر اهل سکر بایستی به محبوب و معشوق نظر داشته باشد و همیشه مست باشد. اینکه توبه هم اگر باشد، مستی و سکر خود دلیل توبه شکنی می شود. کسی که مست است

و هوشیار نیست چه می داند که درست و غلط کدام است که از آن توبه تواند. شیخ خود را اهل سکر و عشق می داند. در مقام عشق الهی قطبیتی باقی نمی ماند؛ عاشق حلاج وار انا الحق می زند؛ تمامی حق است و سخن از خویش و هر آنچه خویشتن را با یاد آورد فراق از حق و معشوق است، پس توبه از توبه کردن را اصطلاح قرار می دهد تا این گونه فنای فی الله را به وضوح بیان کنند.

اگر گم بسودِ خود یاد داری  
روا باشد که از وی یادآری  
ولی تا از خودی سدیت پیش است  
اگر یادش کنی آن یاد خویش است  
(الهی نامه، ص ۲۰۷)

از توبه و زهد توبه ها کرد  
مؤمن شد و کافری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

چند ازین نام و ننگ و زهد و زترویر  
توبه کن از توبه دل بتاب در افکن  
(دیوان عطار، غزل ۶۵۶)

توبه بشکن تا درست آیی زکار  
چند گویی توبه ای دارم نصوح  
(دیوان عطار، غزل ۱۴۷)

پرده‌ی پندار می باید درید  
توبه‌ی ازهاد مباید شکست  
(دیوان عطار، غزل ۵۲)

از توبه و زهد توبه ها کرد  
صفی شد و دلبتری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

گفت رخم بین که گر از عشق من  
توبه کنی توبه بتر از گناه  
(غزل ۷۰۵، ص ۵۴۷)

ابو نصر سراج اولین مقام را مقام توبه آورده است توبه کردن و تائب شدن نشانه‌ی هوشیاری است پس از نشانه‌های صحونی باشد وی می فرماید: «درباره‌ی توبه مریدان و طالبان و نو سالکان که گاهی توبه به سودشان و گاهی به زیانشان است... تاییان چند

گونه اند یکی از بدی ها و زشتی ها توبه می کند و دیگری از لغزش ها و غفلت از حق و سومی از دیدن نیکی ها و عبادت هایش که چرا به کارش چشم داشته. مقتضی توبه پرهیزکاری است. (سراج: ۹۸، ۱۳۸۲)

شیخ عطار در وادی ها در منطق الطیر توبه را نیاورده است. اما در جای جای آثارش از این مطلب دینی به جدیت یاد نموده است. ابو نصر سراج توبه را اولین مقام دانسته است و از آنجا که مقتضی توبه پرهیزکاری است شیخ ابو نصر سراج مقام دوم را به پرهیز اختصاص داده است. و در این باره می فرماید: «ورع را مرتبه ای بلند است. پیامبر (ص) فرمود: پرهیزگاری معیار دین شمامست.» (همان، ۹۹)

از موارد مهمی که مورد توجه صوفیه قرار داشته است، این بوده که آیا بعد از توبه کردن باید گناه را در خاطر داشته باشد یا فراموش کند. سهل بن عبدالله و یارانش براین عقیده هستند که توبه کننده باید آن گناه را از پیش چشم خویش دور ندارد تا به این ترتیب از ارتکاب مجدد جلوگیری کند. یعنی تائب را قائم به خویش می داند. اما جنید بغدادی، بر این باور است که توبه کار باید گناه خویش فراموش کند و تائب را قائم به خدا می داند یعنی: «تائب محب بود و محب اندر مشاهدت بود و اندر مشاهدت جفا باشد چند گاه با جفا باشد و باز چند گاه با ذکر جفا و ذکر جفا از وفا حجاب باشد و رجوع این خلاف اندر خلاف مجاهدت و مشاهدت بسته است» (غنی، ۱۳۲۲: ۲۲۳) پس در عقیده ی جنید یاد گناه گناه است. توجه به این مطلب ضروری است که هر یک از راهکارهای صوفیه خواص و عوام دارد شاید برای خواص فراموشی گناه مؤثرتر است و برای عوام تذکر گناه و شکر بر رهایی از آن عین نجات و رستگاری است.

### نتیجه

با توجه به شواهد مذکور این گونه به نظر می رسد که دیدگاه عطار، نسبت به این موضوع دینی، کاملاً زاهدانه است تا عارفانه و صوفیانه. اندیشه ی زاهدانه، ترس از

خشم الهی است اما اندیشه‌ی، صوفیانه امید به رحمت او. در شعر عطار جز مطلب سکر و عدم تناسبش با توبه که صوفیانه است در باقی موارد دیدگاهی کاملاً زاهدانه دارد و اثبات این مدعای آیات و روایاتی است که بر اساس آن موضوعات دینی را بیان نموده است. اصولاً طرح موضوعات دینی همانند تمامی قوانین دیگر از موضوعات خشک و خشن است و گوینده‌ی آن باید تبحری خاص در بیان آن‌ها داشته باشد تا شنونده‌را به آن قوانین و شنیدن آن‌ها مشتاق نماید. عطار در راستای این رسالت خطیر نه تنها از زبان ساده و گفتاری همه فهم سود جسته آن را به شیرینی حکایات آمیخته و با آیات و روایات مزین نموده است.

اما دیدگاه زاهدانه‌ی عطار نیز با دیگران متفاوت است وی خشم خدا را به تصویر نمی‌کشد وی رحمت حق را بیان می‌کند و انسان گنه کار را به سوی او و رحمتش راهنمایی می‌کند (الهی نامه، ۲۷۴) وی در این دیدگاه نیز نوآور است او دائم انسان را از نفس خویش می‌هراساند و به رحمت و توبه پذیر بودن خداوند تأکید دارد (منطق الطیر، ص ۲۹۹). او نیز معتقد است «از ماست که بر ماست» و خداوند جز خیر و نیکی نیست و جز خیر و نیکی برای بنده نمی‌خواهد. و خورشید کرمش بر گناهکار و بی گناه یکسان می‌تابد. او می‌گوید: اگر انسان گناهی کند و بعد توبه کند هرچند توبه اش پذیرفته می‌شود اما خسran و زیانی که از بابت آن گناه بر او وارد آمده از بین نمی‌رود. پس بهتر است که انسان برای حفظ سلامت روانی خویش مرتکب گناه نشود. (اسرارنامه، ص ۱۴۲)

می‌بینیم که عطار بر وجوب توبه معتقد است امایش از آن بر وجوب پرهیز از گناه اعتقاد دارد. او روانشناسانه در پی پیشگیری است و معتقد است سلامت روانی باید حفظ شود. اما اگر انسان به هر دلیلی گناهی مرتکب شود واجب است که تو به کند و خداوند توبه پذیر است. عطار، در حکایت مرد توبه شکن در منطق الطیر این مطلب را به خوبی بیان می‌کند.

گفت می گوید خداوند جهان  
عفو کردم توبه پذیرفت  
باردیگر چون شکستی توبه پاک  
چون دراول توبه کردی ای فلان  
می توانستم ولی نگرفتم  
دادمت مهل و نگشتم خشمناک  
(منطق الطیر، ص ۳۱۳)

این شواهد نشان می دهد که عطار در این موضوع دینی و تربیتی اسلامی (توبه) با دیدگاهی زاهدانه و نوآور چونان مبلغی زیرک با طرح درست و موشکافانه‌ی مطلب با کمک روایات و حکایات و در سایه‌ی قرآن و احادیث مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد و به فکر وا می دارد. و در نهایت خدا به بنده می فرماید که: (...ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين) (قرآن ۲/۲۲۲)

و:

باز آی آخر که در بگشاده ایم  
تو غرامت کرده ما استاده ایم  
(همان)

## منابع

۱. بخاری، خواجہ امام ابو ابراهیم اسماعیل، (۱۳۶۳) شرح التعرف لمذهب التصوف، محمد روشن، تهران، انتشارات اساطیر.
۲. بهاء الدین (شیخ بهایی)، محمدبن حسین عاملی، اربعین، چاپ سنگی، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری
۳. حسنی، علیرضا، (۱۳۷۷) توبه در قرآن و سنت، رایزن، تهران، چاپ اول.
۴. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹
۵. سراج طوسی، ابونصر (۱۳۸۲) اللمع فی التصوف، مهدی محبتی، تهران، اساطیر، چاپ اول
۶. صدری نیا، باقر (۱۳۸۸) فرهنگ مأثورات متون عرفانی، تهران، سخن، چاپ اول.
۷. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶) اسرارنامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۸. ----،---- (۱۳۸۳)، تذکرہ الاولیا، رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، چاپ اول
۹. ----،---- (۱۳۸۶) دیوان عطار، تهران، نگا، چاپ ششم.
۱۰. ----،---- (۱۳۸۶) مصیت نامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۱۱. ----،---- (۱۳۸۷) الہی نامه، تهران، سخن، چاپ سوم.
۱۲. ----،--- (۱۳۸۷) منطق الطیر، تهران، سخن، چاپ پنجم.
۱۳. غزالی، ابوحامد محمد، (۱۳۵۷)، احیاء علوم دین ج ۷ ق ۱۰، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۱۴. غنی، قاسم، (۱۳۲۲) تاریخ تصوف اسلام، تهران، زوار، چاپ اول
۱۵. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۳۹) شرح احوال و آثار عطار نیشابوری، انتشارات انجمان آثار ملی، ۱۳۳۹-۴۰

۱۶. فیض کاشانی، مولا محسن، (۱۳۸۵)، علم اليقین، حسین استاد ولی، تهران، حکمت، چاپ دوم.
۱۷. قشیری، ابوالقاسم، (۱۳۴۰) ترجمه رساله قشیریه، بدیع الزمان فروزان فر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۸. کاظم معزی، محمد، رامیار، محمود، (۱۳۸۷)، قرآن کریم، تهران، صابرین، چاپ دوم.
۱۹. مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۸۷) غزلیات شمس، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم.
۲۰. نمازی شاهروodi، علی، (۱۳۷۶) مستدرک سفينة البحار، موسسه النشر اسلامی، قم.
۲۱. نیکلسون، رینولد، (۱۳۸۲)، رابطه انسان و خدا نیکلسون، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم